

رساله

# فلسفه اشراق



آية الله العظمى سيد رضا حسيني نسب



## پیشگفتار

مکاتب گوناگون فلسفه یونان ، از اواخر قرن اول هجری، به صورت محدود به برخی از حوزه های علمی و پژوهشی جهان اسلام وارد گردید. اما از قرن سوم هجری، دانشمندانی چون یعقوب کندی، به ترجمه آثار فلسفی مذکور به زبان عربی در سطحی گسترده پرداختند.

"یعقوب کندی" معروف به فیلسوف عرب ، متولد سال 185 هجری و متوفای سال 260 هجری به زبانهای یونانی و سریانی آشنایی داشت و برخی از کتب فلسفی یونان را به عربی ترجمه کرد. وی مبانی فلسفی خویش را در رساله ای به نام "الفلسفة الاولى" تبیین نمود و دانش مذکور را به عنوان "شناخت حقیقت اشیاء در حد توانایی انسان" معرفی کرد.

در اواخر قرن سوم هجری ، فیلسوفانی مانند ابو نصر فارابی ، متولد حدود سال 258 و متوفای سال 339 هجری ؛ و محمد ابن زکریا رازی ، متولد سال 251 هجری ظهور کردند.

فارابی ، در تبیین دیدگاه های فلسفی و منطقی فلاسفه یونان مانند افلاطون و ارسطو کوشید و نخستین شخصیتی بود که توانست در این دوران ، نظام فلسفی منظم و جامعی تدوین نماید.

در این دوران ، مکاتب فکری و کلامی دیگری نیز ، مانند مکتب "طحاویة" توسط "احمد ابن محمد ابن سلامة الطحاوی" ، متولد سال 229 هجری در مصر ، و مکتب "اشعریة" توسط "ابو الحسن علیّ ابن اسماعیل اشعری" ، متولد سال 260 یا 270 هجری در منطقه بین النهرین ، و مکتب "ماتریدیة" توسط "ابومنصور ماتریدی" ، متوفای سال 333 هجری در سمرقند بوجود آمدند.

در قرن چهارم هجری ، فیلسوفانی مانند "ابن مسکویه" ، متولد سال 320 یا 330 هجری و حکیم نامدار "ابن سینا" ، متولد سال 370 هجری ، به گسترش فلسفه پرداختند. بیشترین تلاش "ابن مسکویه" در فلسفه ، به بررسی اصول و مبانی علم اخلاق اختصاص دارد. آثار معروف او در این زمینه عبارتند از کتابهای "ترتیب السعادة" ، "جاویدان خرد" و "تهذیب الاخلاق".

ابن سینا با نوشتن کتابهای ارزشمندی در فلسفه مانند کتاب بزرگ "الشفاء" و "الإشارات و التنبیها" ، به تبیین فلسفه مشائی همت گماشت و یک نظام فلسفی مدون را به جهان علم و حکمت ارائه داد. در قرن پنجم هجری ، به ابوحامد محمد غزالی ، متولد سال 450 هجری که از منتقدان سرسخت مکاتب فلسفی است ، بر می خوریم.

غزالی با نوشتن کتاب "تهافت الفلاسفه" تلاش کرد تا فلسفه را به صورت اعم، و فلسفه مشائی را به نحو اخص، مورد حمله قرار دهد.

علاوه بر این، متکلمان اشعری نیز، حملات خود را در جهت تضعیف فلسفه، بویژه فلسفه مشائی گسترش دادند.

در چنین اوضاع و احوالی، شهاب الدین سهروردی در قرن ششم هجری، پا به عرصه وجود نهاد و در حالی که فلسفه استدلالی مشائی در زیر حملات یادشده قرار داشت، مکتبی نوین در این زمینه ارائه نمود.

مکتب فلسفه اشراق، یکی از معروف ترین مکاتب فلسفی به شمار می رود که ریشه در تاریخ حکمت دارد. گرچه بنیانگذاری این مکتب، در تمدن یونان باستان انجام گردید، اما سهروردی، نقش بارزی در پرورش و ارائه آن در قالبی جدید داشت. از اینرو، سهروردی به لقب "شیخ اشراق" ملقب گردید.

کلمه "اشراق" به معنای نور افشانی است و  
"حکمت اشراق" ، مکتبی فلسفی است که در کنار  
اهتمام به استدلال عقلی ، بر شیوه استنباط ذوقی  
که از طریق صفای باطن حاصل می شود ، تاکید  
می ورزد.

در این رساله، نگاهی به تاریخچه و اصول اساسی  
این مکتب فکری ، می افکنیم.

\*\*\*\*\*

## تاریخچه فلسفه اشراق

در قرن پنجم قبل از میلاد، مکاتب سوفسطایی در یونان گسترش یافت و حکمت و فلسفه را به حاشیه راند.

در برابر سوفسطائیان ، جمعی از متفکران آن دیار به تأسیس مکاتب فلسفی عمیق و گسترش انواع علوم عقلی ، همت گماشتند. معروف ترین فیلسوفانی که در این برهه از زمان در شهر آتن زندگی کرده و مکاتب فلسفی مهمی را عرضه داشته اند عبارتند از :

1. سقراط.
2. افلاطون که شاگرد سقراط بود.
3. ارسطو که فلسفه را در نزد افلاطون آموخت.



## سقراط

سقراط در سال 469 یا 470 قبل از میلاد در شهر آتن به دنیا آمد و در سال 399 قبل از میلاد ، به مرگ محکوم شد و با نوشیدن زهر شوکران ، از دنیا رفت.

وی به وجود خدا و جاودانگی نفس انسان اعتقاد داشت. روش استدلالی سقراط ، مبتنی بر جستجوی حقیقت و اثبات آن از طریق پرسش و پاسخ بود. وی معتقد بود که معرفت ، بالاترین خیر و سرچشمه فضائل است. او می گفت : منشأ رفتارهای ناروا ، جهالت می باشد و اگر مردم ، حق را بشناسند ، به سراغ باطل و خطا نمی روند.

پس از سقراط ، شخصیت هایی چون اقلیدس (Euclides) ، آریستئیپوس (Aristippus) و افلاطون ، به تحلیل و تبیین دیدگاه های وی همت گماشتند.

## افلاطون

افلاطون در سال 427 قبل از میلاد دیده به جهان گشود و در سال 347 قبل از میلاد ، از دنیا رفت. وی از شاگردان سقراط بود و در سنّ حدوداً چهل سالگی، مؤسسه ای آموزشی و تربیتی به نام "آکادمی" تأسیس کرد و تا آخر عمر خود به تدریس علوم در آن پرداخت. این دانشسرای معروف پس از مرگ افلاطون نیز ، تا سال 529 میلادی ، یعنی به مدت بیش از نهصد سال ، به فعالیت آموزشی خود ادامه داد ، تا اینکه امپراتور روم شرقی در آن سال ، به خاطر تعصبات دینی مسیحیت ، آن را تعطیل کرد. افلاطون به عالمی عقلانی به نام عالم مُثُل معتقد بود که مثال های همه اشیاء و فضائل و ارزشها در آنجا قرار دارند. وی عالیتترین مثال را مثال خیر که با مثال زیبایی یکی است ، می دانست ، و بالاترین شناخت را شناخت آن مثال قلمداد می کرد.

بسیاری از تاریخ نگاران فلسفه، حکیم بزرگ یونان، افلاطون را به عنوان بنیانگذار مکتب اشراق، دانسته اند.

او شخصیتی است که اندیشه های پیشینیان خود مانند "هرمس" و "فیثاغورث" و غیره را تفسیر و تدوین نمود و فلسفه اشراق را سامان داد.

این مکتب، پس از افلاطون، توسط نو افلاطونیان مانند افلوپین و فرفورئوس و پیروان آنان پیگیری شد و توسط حکیمانی مانند ذوالنون مصری منتشر گردید.

مفسران حکمت اشراق معتقدند که شیوه فکری یادشده ، در افکار و اندیشه های حکمای ایران باستان ، مانند کیومرث ، فریدون ، کیخسرو ، جاماسب ، جمشید و بزرگمهر ، وجود داشته و پس از آن ، از طریق شخصیت های معروف در عرفان و تصوف، مانند ابویزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی دنبال شده است.

## سهروردی و احیاء فلسفه اشراق

شهاب الدین سهروردی، در اوج حملات مخالفان فلسفه، تلاش کرد تا با بهره گیری از منابعی متعدد، به بازسازی مکتب فلسفه اشراق برخیزد و آن را در هیأتی جدید، عرضه نماید.

سهروردی توانست با درآمیختن جریان های پویای فکری که از اندیشمندان یونان قدیم و ایران باستان سرچشمه می گرفت ، و با استفاده از منابع دیگر در زمینه های عرفان و تصوّف و همچنین فلسفه مشائی که توسط ابن سینا پرورش یافته بود، خواسته خود را جامه عمل بپوشاند و یک نظام فلسفی با ویژگی هایی خاص ، بنیان گذاری کند.

در حقیقت، شهاب الدین سهروردی، با استفاده از منابع ذیل، مکتب فلسفی خود را تدوین نمود:

- اندیشه های اشراقی افلاطون که برگرفته از دیدگاه های پیشینیان او مانند فیثاغورث و

هرمس بوده، و سپس توسط نوافلاطونیان  
ادامه یافته است.

- مکتب فلسفه مشائی و اندیشه های  
ابوعلی سینا.
- اندیشه های اهل عرفان و تصوّف.
- مکتب فلسفی ایران باستان.

\*\*\*\*\*

## شخصیت سهروردی

شهاب الدین یحیی سهروردی ، معروف به "شیخ الاشراق" در سال 549 هجری در "سهرورد" که در حوالی زنجان کنونی قرار داشت متولد شد. او در عنفوان جوانی در شهر مراغه به تحصیل پرداخت و سپس برای آموزش دوره عالی حکمت به شهر اصفهان سفر کرد و در محضر ظهیر الدین قاری ، به تحصیل فلسفه همت گماشت و مکتب فلسفی ابن سینا را فرا گرفت. آنگاه به منظور آشنایی با افکار و اندیشه های عارفان و صوفیان زمان خود ، به مسافرتی طولانی در سرزمین ایران و آناتولی و شام ، مبادرت ورزید.

سهروردی ، بنا به دعوت "ملک ظاهر" فرزند "صلاح الدین ایوبی" ، به دربار وی در شهر "حلب" در سوریه شتافت و مورد عنایت وی قرار گرفت. پس از مدتی ، برخی از اندیشه های این حکیم جوان ، بر

مفتیان آن سامان گران آمد. آنان از ملک ظاهر خواستند تا سهروردی را به قتل برساند ، ولی با مخالفت وی روبرو شدند. بنا بر این ، با ارسال نامه به صلاح الدین ایوبی ، شکایت خود را با وی در میان گذاشتند. صلاح الدین نیز به فرزند خود دستور دارد تا خواسته مفتیان منطقه را جامه عمل بپوشد و یا اینکه خود برکنار شود. بدینسان ، ملک ظاهر ، سهروردی را به زندان افکند و این دانشمند پرشور ، در سال 587 هجری در سن حدود 38 سالگی در زندان به قتل رسید.

مکتب فکری سهروردی ، علیرغم زندگی کوتاه وی ، تاثیر شگرفی در محافل فلسفی و مراکز علمی بزرگ در منطقه بر جای گذاشت. تاریخ نگاران در حدود پنجاه کتاب و رساله از وی به ثبت رسانده اند.

برخی از کتب مشهور سهروردی عبارتند از :

حکمة الاشراق ، تلویحات ، مطارحات ، هیاکل النور ، مقامات ، اعتقاد الحكماء ، اللمحات ، پرتو نامه ،

بستان القلوب ، عقل سرخ ، آواز پر جبرئیل ، الغربية  
الغربية ، صغير سيمرغ ، لغت موران، و يزدان  
شناخت.

\*\*\*\*\*



## ویژگی های مکتب اشراق

در اینجا، برخی از ویژگی های بارز مکتب فلسفه اشراق را که توسط سهروردی در زمینه های وجود شناسی ، طبیعت شناسی و نفس شناسی تبیین گردیده است، از نظر شما می گذرانیم :

### وجود شناسی

از دیدگاه مکتب سهروردی ، در رأس سلسله وجود، "نور الأنوار" قرار دارد که غنیّ بالذات و قیوم مطلق است و هر وجود و ظهور و حضوری ، از وی سرچشمه می گیرد.

نخستین فائض از نور الانوار ، نور قاهر اول است ، که حقیقتی بسیط است و نور أقرب و نور عظیم و در اصطلاح حکیمان ایران باستان، به نام "بهمن" نامیده می شود.

نور قاهر اول ، جلال و شکوه نورالانوار را مباشرتا مشاهده می کند ، و نور الانوار نیز ، مستقیما بر وی اشراق شعاع می نماید.

به لحاظ این نسبت فیما بین و مشاهده و اشراق ، نور قاهر دوم ، تحقق می یابد. از تکرار نسب مذکور، دیگر انوار قاهر در طول یکدیگر به وجود می آیند ، به نحوی که بین آنها علیّت وجود دارد و هر نور قاهر عالی ، علّت اشراق بر نور قاهر سافل است. این سلسله مراتب طولی ، در حقیقت نظام فرشتگان مقربّ است که امّات و اصول عالم هستند.

سلسله مراتب طولی این انوار قاهر ، دو قطب مثبت و منفی در وجود ایجاد می کنند.

قطب مثبت آن ، شامل اموری مانند استیلاء ، استغناء ، شهود و استقلال است که سلسله مراتب جدیدی از انوار یا فرشتگان را به وجود می آورد که در عرض یکدیگر هستند و هیچیک از

آنان علّت وجود دیگری محسوب نمی شود. این سلسله مراتب، طبقات عرضی نامیده می شود. فرشتگان مذکور در نظام فلسفی سهروردی ، مانند فرشته نوع انسان که "روح القدس" یا "جبرئیل" نامیده می شود ، مدبّران امور جهان و فرمانروایان عالم هستند و به عنوان "اقانیم نور" در جایگاه "ارباب انواع" و "مُثل افلاطونی" معرفی می گردند و به نام های فرشتگان در حکمت ایران باستان مانند "خرداد" ، "شهریور" ، "امرداد" ، "اسفندار مذ" و "اردیبهشت" خوانده می شوند.

اما قطب منفی در سلسله مراتب طولی انوار قاهر ، شامل نیاز ، محبّت ، اتّکاء و جذب نور ، فلک ثوابت را به وجود می آورد که شامل کواکب مشخص و ستارگان ثابتی هستند که دارای فیاضانات و انبعاثات معینی می باشد.

تعدّد کرات فلک ثوابت که از نور الانوار نشأت گرفته اند ، به همان نسبتی است که بتواند قسمت

"لاوجود" را که در کمون آنها مختفی شده است ، به ماده لطیف آسمانی تبدیل نماید.

از سویی دیگر ، سلسله مراتب انوار عرضی یا انواع نوریه ، طبقه دیگری از انوار و ملائکه را به وجود می آورد ، که ارباب انواع به واسطه آن نورها ، بر انواع زیرمجموعه خود فرمانروایی می کنند.

این سلسله از انوار جدید و میانجی ، نفوس فلکی و انسانی هستند که "انوار المدبریّه" و در اصطلاح حکمت ایران باستان ، به عنوان "انوار اسپهبد" نامیده می شود. انوار اسپهبد ، محرک افلاک آسمانی و مراکز نفوس انسانی هستند.

سهروردی بر آن است که مجموع عالم ، متشکل از هیجده هزار دنیای نور و ظلمت است.

وی در کتاب خود به نام بستان القلوب ، به تشریح عوالم مذکور می پردازد.

## طبیعیات شناسی

سهروردی بر خلاف مشائیان ، جسم را متشکل از صورت و ماده نمی داند، بلکه تقسیمات اجسام را بر مبنای درجات نور پذیری آنها بیان می کند. بر اساس این دیدگاه ، اجسام طبیعی بر دو قسم ، یعنی : ساده و مرکب ، تقسیم می شوند . اجسام ساده نیز ، به سه دسته به شرح ذیل تقسیم می شوند:

- اجسام حاجز : آنها که مانع نفوذ نور هستند.
- اجسام لطیف : آنها که قابل نفوذ نور هستند.
- اجسام مقتصد : آنها که قابل نفوذ نور بر اساس درجات مختلف هستند.

عنصر خاک ، به مقوله اول ، و عنصر آب به مقوله دوم ، و عنصر هوا به مقوله سوم تعلق دارد. درجات اجسام مرکب نیز ، به عنصر غالب در آن بستگی دارد.

سهروردی ، سلسله مراتب نور را علّت وقوع تحولات جهان می داند. آسمانها، تحت امر نفوس قرار دارند، و نفوس ، تحت سلطه عقول هستند ، و عقول ، زیر فرمان عقل کلّی قرار دارند ، و عقل کلّی نیز ، تحت امر و سلطه نور الانوار می باشد.

با تصفیه در ترکیب عناصر ، گیاهان و حیوانات به وجود می آیند. قوای آنها ، عوامل نور هستند. این قوای نورانی ، در حیوانات بیشتر از گیاهان ، و در وجود انسان ، بیش از موجودات دیگر است.

### **نفوس شناسی**

از دیدگاه مکتب سهروردی ، جسم انسان ، طلسمی از انوار اسپهبدی است که حاکم بر همه انسانها است. انسان ، علاوه بر قوای مختلف گیاهی و حیوانی ، دارای حواس باطنی به شرح ذیل می باشد :

- **حسّ مشترک** ، که مرکز اطلاعات حواس پنجگانه باصره ، سامعه ، ذائقه ، شامّه و لامسه می باشد.
- **خیال** ، که مخزن دستاوردهای حس مشترک است.
- **وهم** ، که حاکم بر امور محسوسه است که خارج از حیطه حواس خارجی می باشند.
- **متخیله** ، که ترکیب کننده و تفصیل کننده صور مدرکه است.
- **حافظه** ، که خزانه وهم است.

نفس انسان که از عالم روحانی است ، از رهگذر این قوای باطنی ، به بدن تعلق می گیرد و پس از فروپاشی موازنه عناصر جسمانی بدن ، به وطن اصلی خود ، باز می گردد.

بالا ترین درجه ای که نفس باید برای رسیدن به آن تلاش کند ، "نفس قدسی" است که صور کلیات را مباشرتا دریافت می کند.

نفوس اولیاء بزرگ الهی که در این مرحله هستند ،  
می توانند بر عالم عناصر تاثیر گذار باشند و  
فرمانروایی کنند.

این بود فشرده ای از افکار و اندیشه های مکتب  
فلسفه اشراق در زمینه های وجود شناسی ،  
طبیعت شناسی و نفس شناسی.

تفصیل این اصول فکری اشراقی، در آثار فلسفی  
شهاب الدین سهروردی، بویژه کتاب "حکمة  
الاشراق" و کتب شارحان آن ، آمده است.

\*\*\*\*\*



## مفسران مکتب سهروردی

پس از درگذشت این حکیم مسلمان ، افکار و اندیشه های او در ایران و کشورهای همجوار آن منتشر گردید و متفکرانی دیگر به شرح و تفسیر سخنان او همت گماشتند.

مهمترین مفسران کتابهای سهروردی در قرن هفتم هجری عبارتند از :

- شمس الدین شهرزوری.

- قطب الدین شیرازی.

شارح مکتب اشراق در قرن دهم هجری نیز، ودود تبریزی بوده است.

همچنین صدر المتألهین شیرازی در قرن یازدهم هجری ، تعلیقاتی بر کتاب "حکمة الاشراق" سهروردی و شرح آن نگاشته است.

دیگر مفسران مکتب مذکور عبارتند از:

1. ابن کمونه.
2. جلال الدین دوانی.
3. علامه حلّی.
4. عبد الرزاق لاهیجی.

معروف ترین شرح هایی که بر کتاب های شهاب  
الدین سهروردی نگاشته شده است، عبارتند از:

- 1 - شرح حکمه الاشراق، نوشته شمس الدین  
محمد شهرزوری، در قرن هفتم.
- 2 - التنقیحات فی شرح التلویحات، نوشته ابن  
کمونه در قرن هفتم.
- 3 - شرح حکمه الاشراق نوشته قطب الدین  
شیرازی در قرن ششم.
- 4 - شرح رساله هیاکل النور، نوشته جلال الدین  
دوانی در قرن نهم.

5 - ترجمه و شرح حمکه الاشراق، نوشته  
محمد شریف نظام الدین هروی در قرن  
یازدهم.

6 - تعلیقه بر شرح حکمه الاشراق قطب الدین  
شیرازی، نوشته صدرالدین محمدبن ابراهیم  
مشهور به ملاصدرا در قرن یازدهم.

در اینجا، نگاهی کوتاه به شرح حال برخی از  
مفسران مکتب اشراق می افکنیم.

### **شمس الدین شهرزوری**

شمس الدین محمد شهرزوری که در قرن هفتم  
هجری می زیست، یکی از مهمترین مفسران و  
شارحان مکتب فلسفه اشراق است. او شاگرد  
شهاب الدین سهروردی بود و پس از وی، افکار و  
اندیشه های او را با شروحاتی که بر کتب او نگاشت،  
تبیین نمود.

برخی از آثار این دانشمند، عبارتند از:

- شرح حکمة الاشراق.
- نزهة الأرواح و روضة الأفراح.
- الشجرة الالهية.

### ابن کمونه

سعد ابن منصور ابن سعد ابن حسن بن هبة الله بن کمونه، معروف به عزّ الدولة، متوفای سال 683 هجری، یکی از شاگردان مکتب شیخ اشراق بوده است.

معروف ترین آثار او عبارتند از:

- التنقيحات في شرح التلويحات.
- رسائل ابن كمونه في ابدية النفس.
- رساله ای در الهیات.
- الجديد في الحكمة.

بخشی از شهرت ابن کمونه، به خاطر شبهه ای است که در باب توحید آورده است.

برخی دیگر از نویسندگان نیز، اصل این شبهه را به شیخ اشراق نسبت داده اند.

دانشمندان علم کلام و فلسفه، با استناد به نظریه "اصالة الوجود" که صدر المتألهین شیرازی تبیین نموده است، به شبهه ابن کمونه پاسخ داده اند که در جای خود بیان شده است.

برخی از نویسندگان، کتاب هایی در ردّ نظریات و نوشتارهای ابن کمونه در مسائل اعتقادی و فلسفی نگاشته اند. از جمله:

- زین الدین ابن محمد ملطی، متوفای سال 788 هجری، در کتاب "نهوض حثیث النهود".
- ابن ساعاتی، متوفای سال 694 هجری، در کتاب "الدر المنضود".

## قطب الدین شیرازی

یکی دیگر از شارحان حکمت اشراق، محمود ابن مسعود ابن مصلح فارسی، معروف به قطب الدین شیرازی، متوفای سال 710 یا 716 هجری است. وی علوم گوناگون را در محضر اساتیدی مانند خواجه نصیر الدین طوسی آموخت.

آثار معروف او عبارتند از:

1. شرح حکمة الاشراق.
2. شرح قانون ابن سینا.
3. درة التاج.
4. تحفه شاهی.
5. ترجمه تحریر اقلیدس.
6. شرح مفتاح العلوم سکاکی.
7. نهاية الادراك فى دراية الافلاك.

\*\*\*\*\*